



### اشاره:

در پی اقدامات تحریک آمیز شبکه الجزیره و درگیری و مشکلاتی که در اهواز و برخی از شهرهای استان خوزستان بروز کرد، افکار عمومی داخلی و منطقه‌ای متوجه این حوادث شد. در این ارتباط تحلیل‌ها و نقدهای بسیاری را از سوی محافل گوناگون شاهد بودیم. آنچه در زیر می‌آید مقاله‌ای است که توسط یکی از خوانندگان مجله که خود از اهالی اهواز است نوشته شده است. وی به تشریح اوضاع و دلایل پیدایش وضعیت نامساعد کنونی پرداخته است. هدف از چاپ این مقاله فقط آرایه تصویری از حوادث ناگوار خوزستان است.

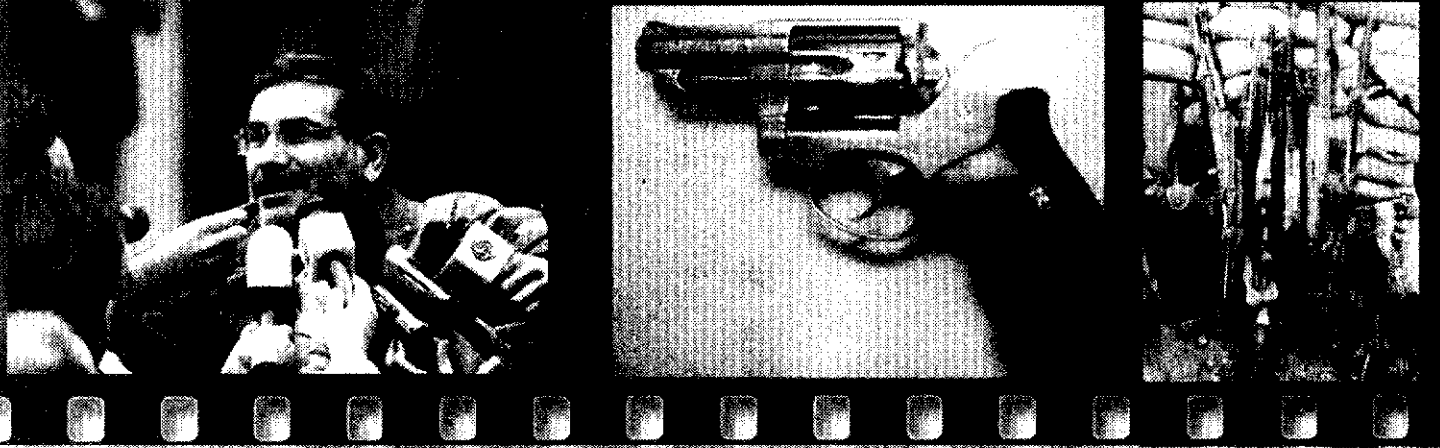
## تحریک برای ناآرامی در خوزستان

◆ رضا زلیکی

اقدام در طلائی، کیان، ملنگ‌آباد، لشکر در منطقه شرق اهواز، منطقه کوت عبدالله و در بخشی از نواحی ملاتانی و حمیدیه درگیری‌هایی روی می‌دهد. در این ارتباط یک گروه ۵ نفره اقدام به آتش زدن بانک می‌کند و سپس در حالی که قصد آتش زدن پمپ‌بنزین‌های سطح شهر را داشته توسط نیروهای امنیتی دستگیر می‌شوند. حمله به کلانتری و آسیب‌رساندن به ساختمان آن، حمله به خودروهای نیروی انتظامی با سلاح‌های جنگی و تخریب تعدادی از خودروها، حمله با موشک آر.پی. جی به شرکت جهاد نصر، آتش زدن قسمتی از نمایشگاه بین‌المللی اهواز و حمله به خطوط راه آهن و خارج کردن قطار از ریل و آسیب‌رساندن به لکوموتیو و واگن‌ها... از جمله اقدامات آنها بوده است. گروه خلق عرب که پایگاهی در میان عشایر ندارد در این حوادث به نام حزب جعلی "مقاومت خوزستان" سعی کرد برای خود جایگاهی پیدا کند به صورتی که تمامی کارهای سخت افزایش این آشوب‌ها را انجام می‌داد از جمله باید به پخش و تهیه و جعل نامه تا توزیع اسلحه در بین افراد و برنامه‌ریزی حوادث اشاره کرد. ثبت نام از درخواست کنندگان اسلحه و تحویل آن در ساعات درگیری از اقدامات دیگر این گروه بود. در شرایطی که درگیری‌ها ادامه داشت حضور

در نهایت نیز روز جمعه ۸۴/۱/۲۶ در ساعت ۱۰ صبح تعدادی از افراد ساکن در منطقه‌ای به نام کیان دست به تجمع و اعتراض می‌زنند که نیروهای محلی پلیس آن را ختم به خیر می‌کنند. در ادامه، تجمع بار دیگر در ساعت ۲ بعد از ظهر آغاز می‌شود تجمعی که سرآغاز یک آشوب و هرج و مرج در برخی از مناطق جنوبی استان خوزستان می‌شود. تجمع‌ها در نهایت در ساعت ۶ بعد از ظهر رنگ دیگری به خود می‌گیرد و به درگیری خونینی می‌انجامد که به گفته یکی از نمایندگان شهر اهواز ۲ نفر در پی این درگیری‌ها جان خود را از دست می‌دهند. عقبه رسانه‌ای این ماجرا که شبکه الجزیره قطر وظیفه آن را بر عهده داشت با برنامه‌های خود به دامنه درگیری‌ها می‌افزاید و سعی در بزرگ نمایی آشوب‌ها می‌کند. استفاده از نام جعلی برای شهر اهواز و پوشش خبری و نشر اکاذیبی در باره حوادث اهواز دامنه درگیری‌ها را به ماهشهر، آبادان و خرمشهر می‌کشاند. گروه خلق عرب که در بین عشایر عرب زبان ایرانی دارای جایگاهی نمی‌باشد با استفاده از افرادی که در بر هم زدن نظم سابقه و ید طولایی داشتند اقدام به توزیع اسلحه می‌کند و در پی این

پس از گذشت ۱۰ روز که اعلامیه‌های منصوب به رییس دفتر ریاست جمهور در دوره اول ریاست جمهوری دولت سید محمد خاتمی در شهر اهواز توزیع شد. روز جمعه ۸۴/۱/۲۶ ناآرامی‌هایی در منطقه کیان اهواز آغاز و تا یک هفته ادامه پیدا کرد که خسارت‌های مالی و جانی هنگفتی را بر جای گذاشت. ناآرامی‌هایی که در آخرین روزهای فروردین ماه ۸۴ در اهواز روی داد امری غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل تصور نبود ولی نکته‌ای که بیش از هر چیز توجه را جلب می‌کرد نقش کم رنگ نیروهای امنیتی و انتظامی در پیشگیری از این حوادث بود. در ابتدا شبکه ماهواره‌ای الجزیره خبر از تغییر یافت جمعیتی استان خوزستان می‌دهد و این خبر را طی گزارش‌ها و خبرهای کذب پیگیری می‌کند این اتفاق از جانب مسوولین با بی توجهی روبه‌رو می‌شود. پس از تعطیلات نوروزی نامه‌ای کذب و جعلی با تیراژ وسیع در تمامی مناطق شهر اهواز به خصوص مناطق عشیره نشین توزیع می‌شود. در این ارتباط هر روز بیش از روز گذشته این نامه جعلی در شهر اهواز و مناطق اطراف پخش می‌شود و هیچ کس هم توضیحی در باره عاملین آن نمی‌دهد. بر آگاهان مسایل خوزستان پوشیده نبود که این اتفاقات به آشوب و هرج و مرج تبدیل خواهد شد.



دریابان شمشخانی که خود یکی از عرب زبانان حاضر در کابینه است هم نتوانست آرامش را به ارمغان بیاورد. وی در میان شیوخ و عشایر عرب زبان نتایج درگیری‌ها را به آنها گوشزد می‌کند و می‌گوید کاری نکنید که حکومت نسبت به عرب‌های خوزستان بدبین شود.

متأسفانه درگیری‌ها به سایر شهرها کشیده شد و در نهایت پس از راهپیمایی وحدت در روز جمعه ۸۴/۲/۲ در شهر اهواز درگیری‌ها و آشوب‌ها به پایان رسید.

این حادثه را نباید همچون مشکلات مردم خوزستان به دست فراموشی سپرد و از کنار آن به سادگی گذشت.

ریشه درگیری و خشونت‌هایی که در اهواز روی داد به یک نامه جعلی باز نمی‌گردد و با دستگیری ۲۰۰ یا ۳۰۰ نفر پایان نمی‌پذیرد. استان خوزستان که از توان اقتصادی بالایی برخوردار است یا مشکلاتی همچون: فقر، بیکاری، فقدان امنیت، بهداشت، نبود آب شرب، سلیقه‌ای عمل کردن مدیران استان و مسایل محیط زیستی و... روبه‌روست.

این استان که تا قبل از جنگ سومین استان توسعه یافته کشور بوده و در بسیاری از زمینه‌ها از اولین‌ها محسوب می‌شد در حال حاضر دهمین استان توسعه یافته کشور می‌باشد. نرخ بیکاری این استان ۲۰ درصد است و در رتبه سوم از نظر بیکاری در سطح کشور قرار دارد. همجواری با کشور نازاری همچون عراق و قاچاق اسلحه و مهمات به این استان از دیگر مشکلات است. پس از فروپاشی رژیم بعث عراق بحث قاچاق اسلحه به خوزستان مطرح شد و بارها مسوولان امنیتی و سیاسی خواستار خلع سلاح عمومی و برخورد با قاچاقچیان شدند ولی هیچگاه این بحث‌ها به نتیجه نرسید (سال گذشته یکی از مقامات امنیتی

شهر اهواز پس از اشاره به این مشکلات با ناامیدی می‌گفت: اراده جدی برای حل مشکلات امنیتی شهر در بین مسوولین وجود ندارد. (مساله سلاح‌های غیر مجاز به گونه‌ای است که در سرقت بانک تا یک درگیری ساده افراد از اسلحه استفاده می‌کنند. به طوری که بسیاری از شهروندان در برخی از مناطق شهر احساس ناامنی مطلق می‌کنند. به طور مثال سال گذشته پس از درگیری بین دو عشیره، شیخ یکی از این عشایر در مسیر فرودگاه باررگبار گلوله کشته می‌شود یا عده‌ای شهر ملاثانی را به رگبار می‌بندند که این اقدام باعث مرگ و زخمی شدن تعدادی از شهروندان می‌شود و یا کمتر ماهی است که در آن خبر از سرقت مسلحانه به بانک و یا منزلی در شهر نباشد هم چنین استان خوزستان با دارا بودن منابع غنی آب شرب از نظر تامین آب شرب شهرهای استان ناتوان است به صورتی که برخی از شهرها به واقع آب شهری مناسب ندارند و با کوچک‌ترین حادثه‌ای از نعمت لوله‌کشی آب محروم می‌شوند. همچون مسجد سلیمان که از ۳ سد کارون فاصله اندکی دارد. و یا آبادان و خرمشهر و حتی شهر اهواز که خود جزء کلان شهرها محسوب می‌شود و

رودکارون از وسط آن می‌گذرد. دارای آب شرب مطلوب نیستند البته باید به این نکته اشاره کرد که وزارت نیرو مدتی قبل قصد انتقال آب خوزستان به دشت رفسنجان در استان کرمان را داشت که این تصمیم با واکنش منفی نمایندگان خوزستان در مجلس روبه‌رو شد. در حال حاضر نیز قسمتی از آب کارون به سرچشمه‌های رودخانه زاینده‌رود انتقال داده شده و صادرات آب به کویت نیز در مراحل پایانی خود به سر می‌برد. ولی طرح ضربتی رییس جمهوری پس از گذشت چهار سال برای مردم آبادان و خرمشهر به نتیجه نرسیده است.

طرحی که در قالب همان لایحه و طرح باقی ماند. نکته دیگری که شاید باور کردن نامه جعلی ابطحی را برای عشیره‌ها باور کردنی کرد طرح توسعه نیشکر خوزستان بود طرحی که با خرید زمین‌های عشیره‌ها آغاز شد این طرح با قول به کارگیری نیروهای محلی همراه بود ولی برای آموزش کارگر ماهر تلاشی صورت نگرفت و افراد روستا هم که پس از مدتی خود را بدون زمین و کار دیدند، اقدام به اخلال در کار طرح توسعه کردند.

طرح توسعه‌ای که نوید بخش اشتغال و توسعه صنعت و کشاورزی بود در حال حاضر به معضلی بدل شده که آب رودخانه‌ها را شور و محیط زیست را با خطر مواجه کرده است. آتش زدن نیزارها پس از درو و نمک زدایی و وارد کردن آب شور به رودخانه باعث شده که کشاورزی روستاییان بومی که تنها نخل و خرما است از بین برود در نهایت این طرح توسعه فقط دود و آتش و بوی تعفن برای آنها در پی داشته است.

شاید در سوم خرده‌ها و سالروز فتح خرمشهر یادمان بیاید که در جنوب غربی ایران مردمی رنج کشیده هستند که نیازمند یاری مسوولان می‌باشند.

**مردم خوزستان  
دارای آب شرب  
مناسب نیستند**